

تحلیل الگوی دفاعی مقام معظم رهبری (آرمان گرایی واقع بین) با استفاده از مکتب سازهانگاری و نواقح گرایی در روابط بین الملل

سید مرتضی نوعی باغبان^۱، امین کوشکی^۲، حسین ایزانلو^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

چکیده:

امنیت، چارچوب، پایه اصلی و عنصری ضروری برای توسعه پایدار است. آنچه مبرهن است، رسیدن به امنیتی پایدار الگویی خاص را می‌طلبد. ایران طی چهل سال اخیر توانسته است در ابعاد مختلف با تهدیداتی که به اشکال متنوع با آن رو به رو بوده است؛ مقابله کند و زیر سایه امنیت در مسیر توسعه قرار گیرد. بعد از پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام خمینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، نه تنها تهدیدات و فشارهای دشمنان انقلاب اسلامی کاهش نیافت بلکه شیوه‌ی مخالفان ایران اسلامی پیچیده‌تر گردید. با این حال، کشور ایران همچنان توانسته است استقلال خود را حفظ نماید و به عنوان یک بازیگر قدرتمند در منطقه ایفای نقش کند. سؤال این است که چه ساختارها و تفکراتی در حوزه مباحث دفاعی باعث شده‌اند این تهدیدات خشی گردند؟ و مهم‌ترین مبانی دفاعی ایران چیست؟ این پژوهش بر آن است به بررسی الگوی دفاعی مقام معظم رهبری تحت عنوان آرمان گرایی واقع بین، بردازد و چگونگی تحقق این سطح از امنیت را بررسی نماید. تحقیق حاضر الگوهای دفاعی (آرمان گرایی واقع بین) رهبر انقلاب را در رسیدن به امنیت پایدار ایران از منظر مکاتب سازهانگاران و نواقح‌گرایانه، به عنوان فرضیه طرح می‌کند و ترکیبی از رویکردهای استنفهامی - تفسیری و کیفی - تفسیری را به عنوان روش پژوهش به کار می‌گیرد.

واژگان اصلی: ایران، امنیت ملی، رهبر انقلاب، آرمان گرایی واقع بین، سازهانگاران، نواقح‌گرایی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) noeibaghban@um.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل در منطقه خاورمیانه، تلاش کشورها برای تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات امنیتی است. تهدیدات امنیتی در خاورمیانه نسبت به قرن ۱۹ و ۲۰ به شدت افزایش پیدا کرده‌است و در واقع امنیت و ناامنی یک مساله و یک معضل اصلی برای کشورهای خاورمیانه است که تأثیر زیادی بر رشد، توسعه و پیشرفت این کشورها داشته است. این تهدیدات ریشه در گزاره‌های مذهبی، سیاسی، فرهنگی-قومیتی، اقتصادی و در نهایت فرمانطقه‌ای دارند. به همین دلیل، نخبگان سیاسی کشورهای خاورمیانه همواره تلاش کرده‌اند با استفاده از راهبردها و ابزارهای مختلف، این تهدیدات را خنثی سازند و به نحوی از انحاء، با این تهدیدات مقابله کنند و در همین راستا، کشورها از الگوهای مختلف بهره برده‌اند.

کشور ایران تقریباً در مرکز خاورمیانه قرار دارد، طبیعتاً از این تهدیدات مصون نبوده است و به دلایل مختلف درگیر مسائل امنیتی است. ایران از یک طرف به دلیل موقعیت استراتژیک و راهبردی و از طرف دیگر به دلیل ماهیت انقلابی و مذهبی حکومت خود، درگیر بسیاری از تهدیدات امنیتی می‌باشد. تهدیداتی که یا از سمت دشمنان خارجی هم چون بعضی کشورها و دولت‌ها و یا گروه‌های معارضی که با ماهیت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران مخالف بوده‌اند. از سویی دیگر، تهدیداتی که از سمت گروه‌های تروریستی با انگیزه‌های مشابه و تعدی به تمامیت ارضی ایران را در دستور کار دارند، مواجه بوده است.

برای نمونه، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی می‌توان به حمله عراق (در حالی که حمایت بسیاری از کشورها را داشت) به ایران در ۱۹۸۰ میلادی اشاره کرد که هشت سال به طول انجامید و در نهایت هم به نتیجه نرسید. اما این تهدیدات و مسائل امنیتی پایان نیافت و اشکال مختلف نیز به خود گرفت، به همین دلیل ایران نیازمند یک برنامه منسجم و سیاستگذاری مناسب برای مقابله با این تهدیدات بود. با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصل ۱۱۰، فرماندهی کل قوا برعهده مقام معظم رهبری است و به همین جهت رهبر ایران در رأس سیاست‌های دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، و تدوین سیاست‌های کلی دفاعی برعهده رهبر ایران است. البته برخی از اصول دفاعی نیز در قانون اساسی آمده است که در ادامه پژوهش به آن‌ها می‌پردازیم.

آنچه که در طول ۴۳ سال پس از پیروزی انقلاب در ایران به چشم می‌خورد این است که

سیاست‌گذاری امنیتی به بهترین نحو صورت پذیرفته است و همانطور که گفته شد، ادامه تهدیدات بعد از جنگ هشت ساله، ایران را نیازمند یک برنامه دفاعی منسجم کرد و تا کنون، جمهوری اسلامی ایران در مقابله با این تهدیدات موفق بوده است. در یک جمله باید گفت کشور ایران به سطحی پایدار از امنیت دست یافته است. در همین راستا، مهم‌ترین مساله در این پژوهش چگونگی مقابله ایران با این تهدیدات است. سؤال اصلی این است که چه ساختارها و تفکراتی در حوزه مباحث دفاعی باعث شده‌اند این تهدیدات خنثی کردند؟ مهم‌ترین مبانی دفاعی و اصول دفاعی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

فرضیه ما در این پژوهش این است که خنثی شدن تهدیدات، ارتباط مستقیم با تفکرات رهبری در چارچوب سیاست‌های آرمان‌گرایانه واقع‌بینانه و ساختارهای شکل‌گرفته در طول ۴ دهه پس از انقلاب دارد. توجه به مبانی واقع‌گرایانه در زمینه موازنه قوا، اتحاد و ائتلاف، واقعیات موجود در نظام بین‌الملل از یک سو و هم‌چنین توجه به هنجارهای شکل‌گرفته و ارزش‌های انقلابی و شکل‌گیری ارزش مشترک فراملی، در چارچوب آرمان‌گرایی از سوی دیگر، کمک شایانی به خنثی‌سازی و دفع تهدیدات کرده است.

در این پژوهش سعی کرده‌ایم به سیاست‌های دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر اساس تفکرات مقام معظم رهبری (آرمان‌گرایی واقع‌بین) با بهره‌گیری از مکاتب نوواقع‌گرا و سازه‌نگاری، نگاه کلی داشته باشیم. این پژوهش به دنبال تطبیق دادن مبانی اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری با این نظریات روابط بین‌الملل نمی‌باشد، چرا که از منظر مبانی و نظری اندیشه دفاعی رهبری متفاوت کاملاً متفاوت و منحصر به فرد است. اما علی‌رغم منحصر به فرد بودن الگوی دفاعی رهبر انقلاب، اندیشه آرمان‌گرایی واقع‌بین ایشان از دریچه‌ی دو نظریه نوواقع‌گرایی و سازه‌نگاری مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در همین راستا بعد از آرمان‌گرایی از منظر سازه‌نگاری و بعد واقع‌بینی از منظر نوواقع‌گرایی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. تبیین این الگو می‌تواند به محققین در زمینه مباحث امنیتی کمک شایانی کند و هم‌چنین زمینه‌ای برای تحقیقات آتی در این حوزه شود.

روش پژوهش ما در این تحقیق، ترکیبی از رویکردهای استنفهامی-تفسیری و کیفی-تفسیری است، روش استنفهامی یک روش خاص در علوم انسانی است که تفاوتی بین ارزش و واقعیت نمی‌گذارد، در این روش هر شناخت معطوف می‌شود به عینیت‌ها و ارزش‌ها و به طبع

کنش‌ها ریشه در ارزش‌ها خواهند داشت و به همین دلیل، در این روش، شناخت نیت‌مندی‌ها به شدت اهمیت دارد، برای بررسی یک پدیده تفهم جایگاه مهمی دارد. ماکس وبر در زمینه تفهم می‌گوید: تفهم به معنای این است که خود را جای عاملان اجتماعی گذاشت و عمل اجتماعی را از درون احساس کرد. (نظری به نقل از: منوچهری، ۱۳۹۶: ۱۸) رویکرد کیفی-تفسیری را نیز می‌توان موج دوم روش‌شناسی دانست که با هدف ارائه نوعی روش‌شناسی متناسب با تحلیل امر انسانی صورت گرفت. در این روش سعی می‌شود با استفاده از تاریخ شفاهی، مشاهده مشارکتی، مشاهده نیمه‌ساخت‌یافته و تحلیل داده‌های ثانویه و محتوای اسنادی، پژوهشی متقن و مستدل، متمرکز بر درک فرآیندهای اجتماعی و کشف معناها و تفسیر کنشگران ارائه کرد. (نورمن بلیکی، ۱۳۸۹: ۲۹۵-۲۹۷)

۱- ادبیات پژوهشی

در حوزه ادبیات پژوهشی اولین پژوهش در رابطه با این تحقیق، الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) است که اصفهانی و دیگران آن را انجام داده‌اند. در این تحقیق، نویسندگان در پی تبیین الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه مقام معظم رهبری هستند، در این پژوهش، جبهه مقاومت به عنوان یک عامل اصلی برای مقابله با استکبار و حضور دشمنان ایران در غرب آسیا شناخته شده است (اصفهانی و دیگران؛ ۱۳۹۹).

مقاله مسابقه تسلیحاتی و مدیریت دفاع منطقه‌ای در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ می‌باشد. نویسندگان این پژوهش در پی تبیین مساله دفاع منطقه‌ای و هم‌چنین رقابت تسلیحاتی توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس بوده‌اند، نتیجه این پژوهش این است که کشورها مساله دفاع منطقه‌ای را از طریق دو بعد نظامی و غیرنظامی حل کرده‌اند (صادقی اول، قاسمی، پورجم؛ ۱۳۹۵).

پژوهش بعدی مقاله روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری از محمد ستوده است. نویسنده در این مقاله با روش تحلیلی و کیفی به تبیین دیدگاه‌های رهبری در حوزه روابط بین‌الملل پرداخته است، در این پژوهش، تبیین روابط بین‌الملل از نگاه رهبری از طریق تاکید بر عامل انسانی و نظام جهانی مطلوب صورت پذیرفته است (ستوده؛ ۱۳۸۵).

۲- چارچوب نظریه

۲-۱- نئورئالیسم^۱

از نظر تاریخی، واقع‌گرایی^۲ در پاسخ به رویکردهای لیبرال^۳ پدیدار شد. هنگامی که امید به شکل‌گیری نظم بین‌المللی صلح‌آمیز مبتنی بر همکاری بین کشورهای دموکراتیک که از طریق اتحادیه ملل ترتیب داده شده است، در نتیجه ظهور فاشیسم^۴ تهاجمی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از بین رفت، وضعیت بین‌المللی جدید که شاخصه آن جنگ و مبارزه برای بقا بود باعث به وجود آمدن رویکرد جدید واقع‌گرایی شد. دو اثر کلیدی بحران بیست سال توسط ای‌اچ کار^۵ در سال ۱۹۳۹ و سیاست در بین ملل توسط هانس مورگنتائو^۶ در سال ۱۹۴۸ به عنوان سرشاخه‌های رئالیسم کلاسیک (Jacobs, 2014; Lebow, 2013) شناخته می‌شوند که بر "قدرت" تأکید می‌کنند. از منظر واقع‌گرایان کلاسیک، درگیری بین دولت‌ها به دلیل کمبود منابع اقتصادی یا در نتیجه ماهیت "شر بشر" در یک سیستم بین‌المللی آنارشیک، اجتناب‌ناپذیر است. کنت والتز در کتاب نظریه سیاست بین‌المللی، واقع‌گرایی را توسعه داد و یک رئالیسم نوواقع‌گرایانه یا ساختاری را ارائه کرد.

در اینجا سه فرضیه اصلی واقع‌گرایانه را می‌توان شناسایی کرد: اول، دولت‌ها، بازیگران اصلی در نظر گرفته می‌شوند، که به روشی منطقی و حداکثری عمل می‌کنند، نئورئالیست‌ها تصدیق می‌کنند که بازیگران دیگری مانند سازمان‌های بین‌المللی یا شرکت‌های فراملی وجود دارند. با این وجود، این بازیگران دیگر، هیچ تأثیری در تحولات واقعی در سیستم بین‌المللی نخواهند داشت و بنابراین می‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند. دوم، سیستم بین‌المللی با آنارشیک، یعنی عدم وجود یک قدرت برتر، مشخص می‌شود. در نتیجه منافع ملی، به حداکثر رساندن قدرت برای اطمینان از بقای دولت است. برای نئورئالیست‌ها، مجموعه داخلی خاص دولت‌ها، بی‌اهمیت است، به عنوان مثال، این که آیا کشورها دموکراتیک هستند یا رژیم‌های اقتدارگرا، هیچ تأثیری در رفتار آن‌ها در سطح بین‌المللی ندارد، به دلیل توصیف هرج و مرج سیستم بین‌المللی، دولت‌ها از نظر عملکردی مشابه

¹ neorealism

² realism

³ Liberal

⁴ Fascism

⁵ Edward Hallett Carr

⁶ Hans Joachim Morgenthau

هستند و همگی به دنبال اطمینان از امنیت خود از طریق رسیدن به حداکثر قدرت هستند. سوم، توزیع توانایی‌های اقتصادی و نظامی، که به عنوان یک عامل سیستمیک شناخته می‌شود، مهم‌ترین متغیر توضیحی است. از این رو، هنگام تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل، برای توضیح تحولات جدید باید به توزیع قابلیت‌ها نگاه کرد (Waltz, 1979).

واقع‌گرایی (در هر دو بُعد کلاسیک و ساختاری) به جای اینکه به دنبال توصیف عینی از سیاست بین‌المللی باشد، به ما می‌گوید که دولت به عنوان مهم‌ترین بازیگر نقش اول شناخته می‌شود و چگونه دولت‌ها باید رفتار کنند (Bell, 2010: 97؛ Pichler, 1998: 198). نئورئالیسم از این نظر هیچ تفاوتی با رئالیسم کلاسیک ندارد زیرا هر دو رویکرد، مجدداً دولت را به عنوان واحد اصلی که باید در برابر تهدیدهای خارجی مقاومت کند، تأیید می‌کنند. با این وجود، یکی از اشکالات مختلف رئالیسم این است که جایگاه محدودی برای اخلاق در مطالعه سیاست بین‌المللی قائل است. علاوه بر این، اگر حتی اخلاق رئالیسم نیز وجود داشته باشد، اغلب به عنوان عامل ثانویه برای موضوعات قدرت و بقا دیده می‌شود. بنابراین تمایز آشکار بین اخلاق و سیاست به طور مداوم، به ویژه در واقع‌گرایانه کلاسیک، ترسیم می‌شود.

اگرچه واقع‌گرایی و نو واقع‌گرایی فرضیات کلیدی مشترک زیادی دارند، اما چهار تفاوت قابل توجه نیز بین رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها وجود دارد که باید به آنها توجه کرد (والترز ۱۹۹۵). این موارد شامل درک متفاوتی از هرج و مرج است. در حالی که رئالیست‌ها هرج و مرج را یک شرط کلی می‌دانند که دولت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، نواقح گراها به ساختار بین‌المللی اولویت می‌دهند، که توسط آنارشی به عنوان اصل توزیع قابلیت‌های اقتصادی و نظامی شناخته می‌شود. سوم، با کمال تعجب، در حالی که نئورئالیست‌ها هیچ اهمیتی به سیاست داخلی نمی‌دهند، همانطور که فرض بر این است که همه کشورها با هر روشی، عملکردی مشابه در سیستم بین‌المللی دارند. اما رئالیست‌ها معتقدند که کشورها متناسب با ساختار سیاسی خود دارای رفتار متفاوت در نظام بین‌الملل هستند. اینکه کشوری دارای یک ساختار دموکراتیک باشد یا نه، بر نوع تعریف آن از منافع ملی تأثیر دارد. رئالیست‌ها قدرت را پایان عمل دولت، اما نئورئالیست‌ها آن را ابزاری برای هدف واقعی نگرانی دولت، یعنی امنیت و بقای دولت می‌دانند. به عنوان مثال، در جنگ آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۳، واقع‌گرایان در تجزیه و تحلیل خود بر

ماهیت رژیم عراق، شخصیت صدام حسین^۱، جورج دبلیو بوش^۲ و همچنین نحوه تعامل این دو کشور با دیگر کشورها توجه می‌کنند. اما نئورئالیست‌ها بر توزیع سیستمیک منابع انرژی در سطح جهانی و اهمیت کنترل دسترسی به نفت برای ایالات متحده در رقابت با سایر قدرت‌ها مانند چین و روسیه را، در نظر می‌گیرند.

تحولات اخیر در تئوری نئواقع‌گرایانه باعث تمایز بین رئالیسم تهاجمی و تدافعی شد. رئالیست تهاجمی همچون جان مرشایمر^۳ استدلال می‌کند که سیستم‌های بین‌المللی دارای پنج ویژگی زیر می‌باشند: (۱) هرج و مرج (۲) این واقعیت که کشورها توانایی‌های نظامی تهدیدکننده دارند. و (۳) عدم اطمینان در مورد اقدامات سایر کشورها؛ (۴) بقا هدف اصلی قدرت‌های بزرگ است. (۵) قدرت‌های بزرگ بازیگران منطقی هستند (Mearsheimer, 2000: 2-30).

واقع‌گرایان دفاعی مانند والتز^۴ (۱۹۷۹) استدلال می‌کنند که کشورها به دنبال قدرت، برای افزایش امنیت خود هستند. از آنجا که تعادل قدرت، ثبات صلح‌آمیز را تضمین می‌کند، دولت‌ها بر حفظ تعادل قدرت تمرکز خواهند کرد.

به طور خلاصه رئالیست‌ها معتقدند: (۱) دولت‌ها بازیگران واحد با عملکردی مشابه و تنها بازیگران مهم سیاست بین‌المللی هستند. (۲) سیستم بین‌المللی با هرج و مرج مشخص می‌شود. (۳) توزیع قابلیت‌های قدرت، متغیر اصلی و سطح سیستم برای توضیح رفتار حالت است. علاوه بر این، سه فرض ثانویه وجود دارد که می‌توانند از سه فرض اصلی حاصل شوند: (۱)، نئورئالیست‌ها بر این اعتقادند که جنگ وضعیت عادی امور بین‌الملل است و یک نظم مسالمت‌آمیز فقط از طریق موازنه‌ی قدرت به طور موقت، انجام می‌شود. (۲)، رژیم‌های بین‌المللی بازتابی از ساختار قدرت هستند و در نتیجه، هیچ تأثیر مستقلی بر تحولات ندارند. اگر تغییری در ساختار قدرت اساسی به وجود بیاید، رژیم‌ها از عملکرد متوقف می‌شوند. (۳)، همکاری بین‌المللی به جز در وضعیت ثبات هژمونیک (هنگامی که یک کشور از طریق غلبه خود در توانایی‌های اقتصادی و نظامی، سیستم بین‌المللی را تنظیم می‌کند) در سیستم آنارشیک غیرممکن است (Waltz, 1979). بنابراین از منظر نئورئالیست‌ها، روابط بین‌الملل تجزیه و

¹ saddam hussein

² George Herbert Walker Bush

³ Mearsheimer

⁴ Kenneth Neal Waltz

تحلیل رقابت بین دولتی بر سر منابع اقتصادی و نظامی است.

۲-۲- سازه‌انگاری^۱

ورود سازه‌انگاری به روابط بین‌الملل اغلب با پایان جنگ سرد همراه است. این دیدگاه به ماهیت "واقعیت" و ماهیت "دانش" اشاره دارد که به آن زبان تحقیقاتی و معرفت‌شناسی نیز گفته می‌شود. سازه‌انگاری جهان و آنچه را که می‌توانیم در مورد جهان بدانیم، ساختاری اجتماعی می‌نامند. سازه‌انگاران معتقدند که دنیای اجتماعی ساخته روابط بین بازیگران است و چیزی جدا از این مساله نیست (Onuf, 1989). بازیگران (معمولاً قدرتمندان، مانند رهبران و شهروندان تأثیرگذار) به طور مداوم ماهیت روابط بین‌الملل را از طریق اقدامات و تعامل‌های خود شکل می‌دهند و گاه تغییر می‌دهند. سازه‌انگاری نشان می‌دهد که سلاح‌های هسته‌ای به خودی خود هیچ معنایی ندارند مگر اینکه زمینه اجتماعی را درک کنیم. الکساندر ونت^۲ (۱۹۹۵) به عنوان یک سازه‌انگار نشان می‌دهد که سازنده‌انگاران با تأکید بر تأثیر ایده‌ها و عقاید بر سیاست جهانی، از تأکید صرف مادی فراتر می‌روند. این استدلال به این معناست که واقعیت همیشه در دست ساخت است. به عبارت دیگر، معانی ثابت نیستند اما بسته به ایده‌ها و عقایدی که بازیگران در اختیار دارند، می‌توانند به مرور زمان تغییر کنند. سازنده‌انگاران استدلال می‌کنند که هنجارها و ساختار متقابل هستند، این بدان معناست که ساختارها بر هنجارها تأثیر می‌گذارند و متقابلاً هنجارها هم بر ساختارها تأثیر می‌گذارند. در یک تعریف هنجارها را می‌توان به عنوان توانایی کسی در عمل دانست، در حالی که ساختار به سیستم بین‌المللی که از عناصر مادی و ایده‌آل تشکیل شده است، اشاره دارد. این دیدگاه تفاوت قابل توجهی با رئالیست‌ها دارد، که استدلال می‌کنند که ساختار آنارشیک سیستم بین‌المللی رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند. از سویی دیگر، سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که "هرج و مرج همان چیزی است که کشورها آن را می‌سازند" به عنوان مثال و براساس دیدگاه ونت، رابطه دشمنی بین ایالات متحده و کره شمالی نشان دهنده ساختار بینابینی است، یعنی ایده‌ها و عقاید باعث بروز دشمنی بین آمریکا و کره شمالی شده است که به ساختارهای دفاعی (افزایش توان هسته‌ای) و روابط (تحریم) بین دو کشور شکل داده است و اگر روزی این عقاید و ایده‌ها تغییر کنند، روابط این دو دولت از

¹ constructivism

² Alexander Wendt

دشمنی به دوستی تغییر پیدا می‌کند (Wendt, 1992).

یکی دیگر از موضوعات اصلی سازنده‌گرایی، هویت‌ها و علایق است. سازه‌انگاران، استدلال می‌کنند که دولت‌ها می‌توانند هویت‌های متعددی داشته باشند که از طریق تعامل با بازیگران دیگر به طور اجتماعی ساخته می‌شوند. هویت‌ها بازنمایی درک بازیگر از شخصیت آنهاست، که به نوبه خود علایق آنها را نشان می‌دهد. هویت‌ها برای سازنده‌گرایان مهم هستند، زیرا استدلال می‌کنند که هویت‌ها منافع و کنش‌ها را تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال، هویت یک دولت کوچک متضمن مجموعه‌ای از منافع است که با منفعی که هویت یک دولت بزرگ به آن اشاره می‌کند، متفاوت است. دولت کوچک مسلماً بیشتر بر بقای خود متمرکز است، در حالی که دولت بزرگ به دنبال تسلط بر امور سیاسی، اقتصادی و نظامی جهانی است. البته باید توجه داشت که اقدامات یک دولت باید با هویت آن همسو باشد. بنابراین، یک دولت نمی‌تواند برخلاف هویت خود عمل کند، زیرا این امر اعتبار هویت، از جمله ترجیحات آن را زیر سؤال می‌برد. این موضوع می‌تواند توضیح دهد که چرا آلمان با وجود اینکه یک قدرت بزرگ با اقتصاد جهانی پیشرو بود، در نیمه دوم قرن بیستم به یک قدرت نظامی تبدیل نشد. به دنبال جنایات رژیم نازی آدولف هیتلر¹ در طول جنگ جهانی دوم، هویت سیاسی آلمان به دلیل شرایط منحصر به فرد تاریخی از نظامی‌گرایی به صلح‌طلبی تغییر کرد.

هنجارهای اجتماعی نیز در ساخت‌گرایی محوری هستند. هنجارها عموماً به عنوان «استاندارد رفتار مناسب برای بازیگران با هویت معین» تعریف می‌شوند (Katzenstein, 1996: 5). انتظار می‌رود کشورهایی که با یک هویت خاص مطابقت دارند، با هنجارهایی که با آن هویت مرتبط است مطابقت داشته باشند. این ایده با این توقع به وجود می‌آید که برخی از انواع رفتار و کردار، قابل قبول‌تر از سایرین باشد. این فرآیند همچنین به عنوان «منطق تناسب» شناخته می‌شود، که در آن بازیگران به روش‌های خاصی رفتار می‌کنند زیرا معتقدند این رفتار مناسب است (March and Olsen, 1998: 951-952). برای درک بهتر هنجارها، می‌توان سه نوع را شناسایی کرد: هنجارهای تنظیمی، هنجارهای سازنده و هنجارهای تجویزی. هنجارهای تنظیمی رفتار را توصیه و محدود می‌کنند. هنجارهای سازنده بازیگران، علایق یا دسته‌بندی‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند. و هنجارهای تجویزی هنجارهای خاصی را تجویز می‌کنند، به این معنی که

¹ Adolf Hitler

هیچ هنجار بدی از دیدگاه کسانی که آنها را ترویج می‌کنند وجود ندارد (Finnemore and Sikink, 1998). همچنین توجه به این نکته مهم است که هنجارها قبل از پذیرفته شدن از یک چرخه حیات هنجارها عبور می‌کنند. یک هنجار تنها زمانی تبدیل به یک رفتار مورد انتظار می‌شود که توده مهمی از بازیگران دولتی مربوطه آن را بپذیرند و در شیوه‌های خود درونی کنند. برای مثال، سازه‌انگاران استدلال می‌کنند که اکثر دولت‌ها گرد هم آمده‌اند تا سیاست‌های کاهش تغییرات آب و هوایی را توسعه دهند، زیرا این کار درستی است که برای بقای بشریت انجام می‌شود. این هنجارها در طول دهه‌ها دیپلماسی و حمایت، به رفتار مناسبی تبدیل شده است که اکثریت شهروندان از رهبران خود انتظار دارند به آن پایبند باشند. از سوی دیگر، لیبرال‌ها ممکن است مفهوم سیاست تغییر آب و هوا را به نفع تداوم رشد اقتصادی و دنبال کردن راه‌حل‌های علمی نوآورانه رد کنند، در حالی که واقع‌گرایان ممکن است به دلیل آسیبی که احتمالاً سیاست‌های آب و هوایی به منافع ملی کوتاه مدت وارد کند، آن را رد کنند. اگرچه همه سازه‌انگاری‌ها در دیدگاه‌ها و مفاهیم فوق، مشترک هستند، اما در ساخت‌گرایی، تنوع قابل توجهی وجود دارد.

برساخت‌گرایان متعارف، سؤالاتی از نوع «چه» می‌پرسند (مانند اینکه چه چیزی باعث می‌شود یک بازیگر نقش‌آفرینی کند). آن‌ها معتقدند که می‌توان جهان را به صورت علی توضیح داد و علاقه‌مند به کشف روابط بین کنشگران، هنجارهای اجتماعی، علایق و هویت‌ها هستند. برای مثال، سازه‌انگاران متعارف، فرض می‌کنند که بازیگران بر اساس هویت خود عمل می‌کنند و می‌توان پیش‌بینی کرد که چه زمانی این هویت قابل مشاهده است یا خیر. زمانی که هویتی در حال تغییر به نظر می‌رسد، سازه‌انگاران متعارف، بررسی می‌کنند که چه عواملی باعث تغییر جنبه‌های هویت یک دولت شده است. از سوی دیگر، سازه‌انگاران انتقادی، پرسش‌هایی از نوع «چگونه» می‌پرسند، مانند اینکه بازیگران چگونه به یک هویت خاص اعتقاد پیدا می‌کنند. برخلاف ساخت‌گرایان متعارف، آن‌ها علاقه‌ای به تأثیری که این هویت دارد، ندارند. در عوض، سازه‌انگاران انتقادی، می‌خواهند هویتی را بازسازی کنند (یعنی بفهمند اجزای تشکیل دهنده آن چیست) که به اعتقاد آن‌ها از طریق ارتباط نوشتاری یا گفتاری بین مردم ایجاد می‌شود. زبان برای سازه‌انگاران انتقادی، نقش کلیدی دارد، زیرا واقعیت اجتماعی را می‌سازد و توانایی تغییر آن را دارد، با این حال، اکثر سازه‌انگاران خود را بین این دو انتهای افراطی تر طیف قرار می‌دهند.

(Stephen and Walters and Scheinflug, 2017:37)

۳-اندیشه‌های دفاعی مقام معظم رهبری (آرمان گرای واقع بین)

پس از پیروزی انقلاب، بحران امنیتی اصلی‌ترین مساله پیش روی نظام تازه تأسیس در ایران بود، با آغاز جنگ تحمیلی تأمین امنیت، الویت اول سیاست داخلی و خارجی ایران قرار گرفت. با پایان جنگ و رحلت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، سید علی خامنه‌ای جانشین رهبر فقید انقلاب شد و ایران وارد دوران گذار گردید. بدین منظور و به جهت مقابله با تهدیدات رورافزون، ایران نیازمند یک برنامه منسجم برای دستیابی به یک امنیت پایدار بود. بدین خاطر، در عرصه سیاست‌گذاری امنیتی در جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری به عنوان نقش و بازیگر تعیین کننده شناسایی شد. به بیان بهتر، رهبری در رأس سیاست‌های دفاعی قرار گرفت، به همین دلیل، شناسایی، بررسی و تبیین اندیشه‌های مقام معظم رهبری امری مهم برای تحلیل و بررسی مساله "امنیت پایدار" جمهوری اسلامی ایران است. همانطور که گفته شد، فرض بر این است؛ اصول نواقع‌گرایانه و سازه‌انگارانه چه مستقیم و چه غیرمستقیم، جایگاه مهمی در الگو و تفکرات رهبری برای تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات داشته باشند. در ادامه بحث، ما این موارد را بررسی خواهیم کرد. لازم به ذکر است تفکرات رهبری چیزی جدا از اصول قانون اساسی و مبانی انقلاب اسلامی نبوده و یک رابطه مستقیم بین تفکرات رهبری با این موارد وجود دارد، به همین جهت ما هر دو مورد را بررسی می‌کنیم.

۳-۱-واکاوی راهبرد دفاعی واقع بین در اندیشه مقام معظم رهبری از منظر نو واقع‌گرایی

همانطور که گفته شد نواقع‌گرایی انواع مختلفی دارد، که بسیاری بر بقا با استفاده از موازنه قوا از طریق اتحاد و ائتلاف تأکید دارند و عده‌ای هم بر افزایش توان نظامی و تسلیحاتی مصراند. به همین جهت، ما برآنیم جایگاه عناصر مهم نواقع‌گرایی را در الگوی واقع بین مقام معظم رهبری برای دستیابی به امنیت پایدار و مقابله با تهدیدات را بررسی کنیم. در این راستا، به سخنرانی‌ها و هم چنین اسناد منتشر شده توسط دفتر حفظ نشر آثار رهبر انقلاب استناد می‌کنیم.

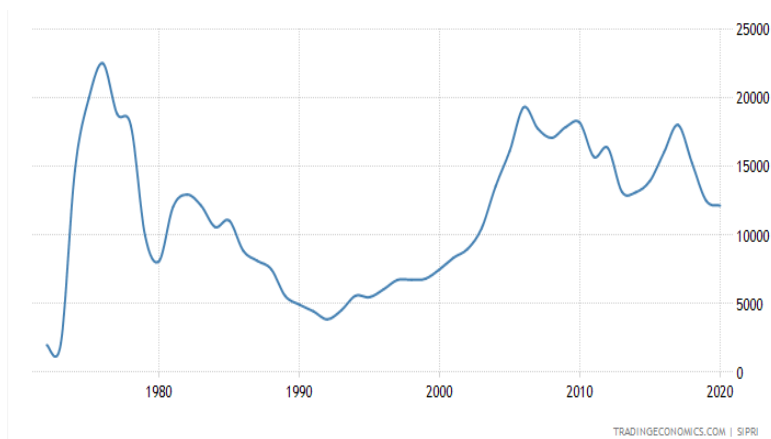
۱-توجه به توان نظامی: یک اصل مهم و مشترک میان واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی، توجه به توان نظامی و افزایش توان ملی است، در میان واقع‌گراها، مورگنتا و کار و در میان نواقع‌گراها، مرشایمر و فریدزکریا به آن اشاره مستقیم می‌کنند. چنانکه توان نظامی، هم در قانون و هم در تفکرات رهبری جایگاه بسیار مهمی دارد.

در قانون اساسی به این مساله اشاره شده است که توان دفاعی باید در ابعاد مختلف در حوزه

تمامیت ارضی و دفاع از انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی تقویت گردد. در قانون اساسی آمده است: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ((نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به عهده سپاه پاسداران گذاشته است.)) مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی است. بنابراین دفاع از این نظام بر عهده سپاه پاسداران می‌باشد. دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به طور مسلم محدود به دفاع از مرزها و دشمنان خارجی نیست؛ بلکه دفاع از انقلاب هم در مرزها و در داخل و شامل تمام ابعاد نظامی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و... است. از طرفی به استقلال کشور باید به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر توجه نمود. حفظ و حراست از حدود و ثغور مرزها، ضامن استقلال کشور است. استقلال یکی از اهداف متعالی جمهوری اسلامی است و دولت موظف است همه امکانات خود را برای تقویت بنیه دفاع ملی و برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور... به کار برد. در مقابل، هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به استقلال و تمامیت ارضی کشور خدشه‌ای وارد کند. بنابراین، استقلال اصل مقدسی به شمار می‌رود که برای حفظ آن، بی‌هیچ مضایقه‌ای باید عمل کرد. هم چنین قانون اساسی، پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بر عهده ارتش قرار داده تا بر اساس ضوابط مقرر انجام وظیفه نمایند (نظرپور، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

بر همین مبنا، مقام معظم رهبری در چارچوب اندیشه‌ی واقع بین، بر افزایش توان نظامی تأکید داشته‌اند. رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود عنوان کردند: «ما احتیاج داریم که کشور از همه‌جبهات قوی بشود که یکی از جبهات هم، جبهات نظامی است. ما نمی‌خواهیم کسی را تهدید کنیم؛ ما که [روی] قوت نظامی و اقتدار نظامی اصرار می‌کنیم، توصیه می‌کنیم، برای تهدید هیچ کشوری و هیچ ملتی نیست؛ برای تهدید نیست، برای جلوگیری از تهدید است، برای حفظ امنیت کشور است. اگر شما ضعیف باشید، دشمن تشویق می‌شود به اینکه آزار و اذیت بکند شما را؛ اگر شما قوی بودید دشمن جرئت نمی‌کند نزدیک بیاید. قوی بشویم تا جنگ نشود؛ قوی بشویم تا تهدید دشمن تمام بشود؛ هم شما، هم نیروی هوافضای سپاه، هم دستگاه صنعت و وزارت دفاع در بخش تجهیزات.» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹). افزایش توان ملی در دیدگاه ایشان بُعد تهاجمی ندارد و اهداف آن تدافعی است، با این حال افزایش توان نظامی نباید کاهش پیدا کند. همچنین در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴ نیز به افزایش توان نظامی اشاره شده است. در این سند در ماده ۱۵ آمده است: یکی از اهداف ملی ارتقای توان آمادگی دفاعی

نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور است (سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۸۲). نمودار زیر بیانگر هزینه‌های نظامی ایران از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ می‌باشد.



نمودار ۱: هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران^۱

نمودار فوق بیانگر این است که هزینه‌های نظامی در ایران همواره روند صعودی داشته است و کمترین بودجه نظامی ایران نیز مربوط به دوران سازندگی و دولت اصلاحات می‌باشد که ایران در این دوران ۱۶ ساله، به دنبال جبران خسارات جنگ و هم‌چنین سیاست تنش‌زدایی با غرب بود. با این حال، توان نظامی اهمیت بالایی در جمهوری اسلامی ایران داشته و جزو راهبردهای اصلی برای تأمین منافع ملی بوده است.

۲- ساختار نظام بین‌الملل: همانطور که قبلاً گفته شد، ساختار نظام بین‌الملل از نظر نواقع‌گراها، ساختاری آنارشیک‌گونه است. ساختاری که مطلقاً هرج و مرج نیست و به نظر کنت والتز (پایه گذار نواقع‌گرایی) توزیع توانمندی‌ها، تعیین‌کننده کلیات آن است. بر اساس دیدگاه نواقع‌گرایی، در شرایط آنارشیک، دولت‌ها باید به خود تکیه کنند. بنابراین آن‌ها در یک سیستم خودپار، همزیستی و تعامل دارند. خودیاری، اصل عمل در ساختارهایی است که آنارشی ویژگی اصلی آن است: «سیستم خودیاری، سیستمی است که در آن کسانی که به خود کمک نمی‌کنند، یا کمتر از دیگران این کار را مؤثر انجام می‌دهند، موفق نمی‌شوند» (Spindler, 2013: 129). در این

^۱ نگاه کنید به: <https://tradingeconomics.com/iran/military-expenditure/> Retrieved : 21 June 2022

ساختار اعتماد و تکیه مطلق کشوری به کشور یا کشورهای دیگر ناامنی را به ارمغان می‌آورد و به همین جهت، کشورها باید خودیاری عمل کنند و به توان ملی خود تکیه نمایند. در زمینه ساختار نظام بین‌الملل هم می‌توان گفت این ساختار هژمونیک (یعنی برتری یک قدرت در نظام بین‌الملل در ابعاد مختلف) باشد که گیلپین^۱ به آن اشاره داد (Gilpin, 1983: 63). یا ممکن است این ساختار یکی از شش ساختار مورد نظر مورتون کاپلان^۲ باشد، وی شش نظام بین‌الملل را شناسایی کرد که عبارتند از: ۱-نظام موازنه قدرت ۲-نظام دوقطبی انعطاف‌پذیر ۳-نظام دوقطبی انعطاف‌ناپذیر ۴-نظام جهانی ۵-نظام سلسله مراتبی ۶-نظام با حق وتو (قوام؛ ۱۳۸۰: ۳۸-۳۷).

برای تحلیل ساختار نظام بین‌الملل، باید به هویت و ارزشها توجه کنیم. در قانون اساسی، نقش حمایتی برای ایران در حمایت از مستضعفان جهان و پناهندگان سیاسی تعیین گردیده است. به بیان بهتر، ایران، کشور حامی مستضعفانی است که نظام سلطه باعث شده است حق آنها پایمال گردد. به همین دلیل، ایران، هویتی در تعارض با نظام سلطه حاکم بر نظام بین‌الملل دارد. ایران با هویت حامی مستضعفان و محرومان و ملل ستم دیده از نظام سلطه شناخته می‌شود. در تفکرات مقام معظم رهبری همانند قانون اساسی، ایران حامی ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده است. چکیده دیدگاه رهبری این است که نظام بین‌الملل یک نظام سلطه‌آمیز است که (در رأس آن آمریکا) به بیشتر کشورها ظلم می‌کند. نظام بین‌الملل بستر ظلم به کشورهای بی‌دفاع است. رهبری برای نظام بین‌الملل چند شاخصه عملی می‌آورد که بیانگر سلطه‌آمیز بودن آن است که عبارتند از: سیاست‌های متناقض نظام سلطه در پایبند نبودن به دموکراسی، جنگ‌افروزی و نقض صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، مواجهه متناقض نظام سلطه با مسئله فلسطین، برخورداری از تسلیحات هسته‌ای و مخالفت با دستیابی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، رفتارهای متناقض با پدیده تروریسم، استفاده از ابزار زور و خشونت، حقوق بشر و تناقض در رفتارها، حق تعیین سرنوشت و سلطه بیگانه (نگاه کنید به: عباسی، ۱۳۹۷).

به همین منظور، رهبر انقلاب در نظام بین‌الملل، ۲ رویکرد برای ایران قائل شده است. رهبری در این راستا عنوان می‌کند: «ما در عرصه بین‌الملل دو نوع کار داریم، یک کار اصلی، که عبارت است از همکاری‌های بین‌المللی و یک کار اضطراری، که همان مبارزه است.» (بیانات در

¹ Robert Gilpin

² Morton Kaplan

اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۷۵/۰۱/۰۴) هم چنین رهبر ایران قدرت‌های سلطه‌گر را عامل ناامنی در منطقه و جهان دانسته و همواره بر لزوم همکاری و حفظ جبهه مقاومت به منظور مبارزه با سلطه‌گران در منطقه تاکید کرده است. هم چنین رهبر انقلاب ایران، بر "بی‌اعتمادی مطلق" به نظام سلطه و قدرت‌های جهانی تاکید فراوان داشته است.

۳- موازنه قدرت (سیاست اتحاد): یکی دیگر از مواردی که نواقح گراها به آن اعتقاد دارند، اتحاد و ائتلاف است، این ائتلاف چه بُعد تدافعی و چه بعد تهاجمی داشته باشد، وجود آن در نظام آنارشیستیک ضروری است. به این امر، در قانون اساسی نیز اشاره شده است. در اصل ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گفته شده است: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. (قانون اساسی: اصل ۱۱). هم چنین طبق اصل ۱۵۴: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. (قانون اساسی: اصل ۱۵۴). این اصول زمینه‌ساز فعالیت‌های ائتلافی ایران در سطح منطقه و فرامنطقه‌ای شده است. این اتحادها که بیشتر بعد ارزشی، سیاسی و نظامی دارد، تأثیر زیادی بر رابطه ایران با کشورهای همسایه با نظام جمهوری اسلامی ایران داشته است. البته این اتحاد نباید منجر به نقض تمامیت مرزی شود که در اصل نهم به آن اشاره شده است. طبق اصل نهم: در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. (قانون اساسی: اصل نهم)

سیاست اتحاد و ائتلاف در تفکرات مقام معظم رهبری هم از منظر واقع بینی و هم از منظر آرمانگرایی، جایگاه والایی دارد. شکل‌گیری این جریان ائتلاف به یک راهبرد مهم در سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. رهبر ایران در زمینه اتحاد و ائتلاف، شکل‌گیری و حمایت از جبهه مقاومت به عنوان نمود این اتحاد، در جلسات متعدد تأکيدات فراوان داشته‌اند. به عنوان مثال ایشان در دیدار رییس جمهور الجزایر، با یادآوری جبهه مقاومت متشکل از الجزایر، ایران، سوریه و چند کشور دیگر که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شده بود، افزودند: «برخی کشورهایی که دنباله‌رو آمریکا هستند، مانع از ادامه فعالیت آن مجموعه شدند اما به نظر می‌رسد اکنون زمینه تشکیل چنین مجموعه‌ای متشکل از کشورهای اسلامی که دارای دیدگاه‌های مشترک هستند وجود دارد.» و در بخش دیگری از سخنان خود آوردند: «اگر چنین مجموعه‌ای تشکیل شود، این کشورهای اسلامی می‌توانند در مسائل مهم دنیای اسلام تأثیرگذار باشند و برای مشکلات منطقه و در مبارزه با تروریست‌ها، اقدامات عملی انجام دهند.» (بیانات در دیدار نخست‌وزیر الجزایر ۱۳۹۴/۰۹/۰۳)

آیت الله خامنه‌ای در همین راستا می‌فرماید: «ما از مقاومت در منطقه دفاع می‌کنیم؛ از مقاومت فلسطین - که یکی از برجسته‌ترین فصول تاریخ امت اسلامی، در طول این سال‌ها، مقاومت فلسطین است - دفاع می‌کنیم. هر کسی با اسرائیل مبارزه کند و رژیم صهیونیستی را بکوبد و مقاومت را تأیید کند، ما از او حمایت می‌کنیم؛ انواع حمایت‌هایی که برای ما ممکن باشد؛ همه‌جور حمایتی که برای ما ممکن است، از هر کسی که با رژیم صهیونیستی مقابله کند، خواهیم کرد. از مقاومت حمایت می‌کنیم، از تمامیت ارضی کشورها حمایت می‌کنیم؛ از همه کسانی که در مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم.» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی: ۱۳۹۴/۰۵/۲۶)

در پایان این بخش باید گفت تهدیدات علیه ایران همواره یا ناشی از کشورهای سلطه‌گر (هم چون اروپا و آمریکا و غرب) و یا از سمت گروه‌های تروریستی و یا از سوی رژیم اشغالگر صهیونیستی بوده است. به همین علت، سیاست ائتلاف و اتحاد در سطح منطقه و فرامنطقه همواره به عنوان یک راهبرد سیاست خارجی مورد توجه بوده است. نمود بین‌المللی این اتحاد در همکاری ایران و روسیه و جبهه مقاومت (متشکل از لبنان، فلسطین، عراق و یمن) بر علیه تروریسم دولتی و غیردولتی در منطقه بوده است. بر همین مبنای رهبر انقلاب در دیدار با رییس جمهور روسیه با تأیید لزوم گسترش همه‌جانبه روابط دو کشور (ایران و روسیه)، لازمه

ایستادگی کشورهای مستقل در مقابل فشارهای قدرت‌های بین‌المللی را ارتباط و همکاری بیشتر عنوان کردند. (دیدار رئیس‌جمهور روسیه سفید با رهبر انقلاب: ۱۳۸۵/۰۸/۱۵)

۳-۲- سازه‌انگاری و راهبرد دفاعی آرمان‌گرایانه در اندیشه مقام معظم رهبری

مکتب مورد نظر دیگر این پژوهش برای تحلیل امنیت پایدار در دیدگاه مقام معظم رهبری، مکتب سازه‌انگاری است. در صفحات قبل در مورد مکتب سازه‌انگاری به اختصار توضیحاتی دادیم. اما سؤال اصلی این است که ریشه امنیت طلبی در سیاست خارجی ایران از نگاه مکتب سازه‌انگاری چیست؟ و همچنین از منظر سازه‌انگاری، در تفکرات رهبر انقلاب چه عناصری در تأمین امنیت مورد توجه است؟ در ادامه به این سؤالات پاسخ می‌دهیم.

ابتدا باید بگوییم سیاست خارجی معمولاً محصول یک دوره کوتاه نیست (گرچه راهبردهای تأمین منافع ملی ممکن است فرق کند اما مبانی سیاست خارجی حاصل عوامل بلند مدت تاریخی است). هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌های مورد نظر سازه‌انگاران به عنوان عوامل تأثیرگذار بر روابط خارجی حاصل تعامل دولتها و بازیگران است که در طول زمان شکل می‌گیرند. زمانی که هنجاری یا ارزشی یا هویتی شکل بگیرد، همان عنصر تبدیل می‌شود به یک عامل تعیین رفتار و حتی راهبرد جهت تأمین منافع ملی. از همین رو، باید گفت شکل‌گیری یک اتحاد، یک جریان و حتی یک سیاست مشترک علل تجربی و غیرتجربی مختلفی دارد. بدین منظور، شناسایی این عوامل نقش به‌سزایی در تحلیل‌های کیفی دارد. در زمینه تحلیل امنیت طلبی در سیاست خارجی ایران از منظر مکتب سازه‌انگاری، باید بگوییم امنیت طلبی در سیاست خارجی ایران ریشه‌های تاریخی و تجربی دارد. ریشه‌هایی که تبدیل شده‌اند به یک هنجار و در نهایت رفتار. این امنیت طلبی محصول ساختار نظام بین‌الملل و هم‌چنین هویت ایران در تعارض با کشورهای سلطه‌طلب است که همواره در پی آسیب زدن به ایران بوده‌اند. به همین جهت، شناسایی هنجارها و ارزش‌های حاکم بر سیاست خارجی و تبیین هویت جمهوری اسلامی ایران، موارد مهم برای تحلیل سازه‌انگاران اندیشه‌های دفاعی مقام معظم رهبری است. زیرا اندیشه‌های مقام معظم رهبری چیزی جدا از این موارد مهم نیست.

از منظر آرمان‌گرایی دفاعی مقام معظم رهبری، اسلامیت و انقلابی بودن دو عامل هنجارساز سیاست خارجی ایران است. همین جمله کافی است تا بگوییم اقدامات ضددینی و ضدانقلاب علیه ملت ایران، تأثیر زیادی بر سیاست خارجی گذاشته است. به بیان بهتر، سیاست خارجی

ایران با این اقدامات، امنیتی شده است. اسلامی بودن و انقلابی بودن حکومت، ضمن هنجارسازی، به راهبردها شکل داده‌اند. در واقع، بر محور این دو عامل، هنجارهای گوناگون شکل گرفته است که این هنجارها علاوه بر رفتارسازی، به اقدامات جمعی در سطح منطقه نیز شکل داده‌اند. البته به عوامل هنجارساز دیگری هم باید اشاره کرد؛ همچون ملت، احزاب، افکار عمومی. با تکیه بر همین گزاره، ایران یک کشور هنجارساز بر اساس منطق "اشاعه و اشتراک هنجار" و "وضوح هنجار" است. (نگاه کنید به: دهقانی فیروزآبادی و سلیمانی، ۱۳۹۷). این هنجارها علاوه بر تاثیرگذاری بر سیاست خارجی ایران، بر سیاست خارجی کشورهای متحد ایران نیز تاثیر گذاشته است و ایران با اشتراک هنجار، آن‌ها را با خود همراه کرده است. مهم‌ترین آرمانها و هنجارهای شکل گرفته در اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری بر محور اسلامیت و انقلاب ایران عبارتند از: الف) استکبارستیزی و نفی سلطه بر محور آمریکا ب) اسرائیل و صهیونیسم‌ستیزی و حمایت از مظلومین ج) جنگ علیه تروریسم که به دست دشمنان اسلام شکل گرفته است. د) عدالت طلبی در نظام بین‌الملل.

الف) استکبار ستیزی و نفی سلطه بر محور آمریکا: همانطور که ذکر آن رفت؛ در حوزه سیاست خارجی، نفی سلطه، اصل اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. از منظر ایران، نظام بین‌الملل نظامی مستکبر است و در رأس این نظام استکباری، آمریکا قرار دارد. این هنجار ضد استکباری و ضد آمریکایی بعد از پیروزی انقلاب به اصل سیاست خارجی ایران تبدیل شد و با اشاعه این هنجار، رفتار جمعی در قبال آمریکا و نظام استکباری شکل گرفت. اما چرا آمریکا ستیزی؟ چند مورد برای آمریکاستیزی ذکر شده است که عبارتند از: ۱- تقابل تمدنی و ایدئولوژیک: که باید ناشی از ماهیت تمدن ایران فرهنگی و جهان‌بینی اسلامی (خدا محور) در مقابل انسان محوری) دانست. ۲- روابط مبتنی بر سلطه: که ریشه تاریخی این مورد، دخالت آمریکا در براندازی حکومت مصدق و حمایت از نظام پهلوی است. ۳- حمایت آمریکا از محمدرضا پهلوی در سرکوب مخالفین: که تقویت ساواک مهمترین نمود آن است. ۴- حمایت آمریکا از تجزیه طلبان و اپوزیسیون: پناه دادن به تجزیه طلبان قوم‌گرا، خارج کردن نام سازمان منافقین از لیست گروه‌های تروریستی در سال ۲۰۱۲، حمایت از اقدام‌های براندازانه در اغتشاشات سال ۱۳۸۸، دی ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ از جمله مواردی است که در سال‌های اخیر هم از سوی دولت‌های دموکرات و هم جمهوری خواه آمریکا مشاهده شده است. ۵ -

طراحی کودتا ۶ - حمایت از عراق در جنگ تحمیلی و سرنگونی هواپیمای ایرانی بر فراز خلیج فارس ۷ - حمایت آمریکا از اقدامات اسرائیل علیه مسلمانان و نقش لابی یهودیان ۸ - اقدامات تروریستی. (نگاه کنید به: عابدی گناباد، دانشور محمدزادگان، میری کلاه کج؛ ۱۴۰۰)

ب) اسرائیل و صهیونیسم ستیزی و حمایت از مظلومین: قطع به یقین باید گفت هیچ عاملی به اندازهٔ هنجارِ ضدیت با صهیونیست، در سیاست منطقه‌ای و شکل‌دهی سیاست‌های دفاعی ایران اهمیت بالایی ندارد چرا که اصلی‌ترین تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران، رژیم غاصب صهیونیستی است، این رژیم با حمایت کشورهای غربی تأسیس گردید و به همین جهت حافظ منافع غربی‌ها در خاورمیانه است. همچنین از منظر ایران، اسرائیل یک رژیم آدمکش، ناقض حقوق بشر و یک تهدید امنیتی برای جهان اسلام تعریف می‌شود. قبل از ورود به این مسئله، باید به شکل‌گیری دو جریان در خاورمیانه بعد از حضور اسرائیل در منطقه پرداخت؛ جریان اول، جریان کشورهای متحد غرب در خاورمیانه، این جریان (کشورهای ترکیه، آذربایجان، عربستان، امارات) به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. جریان دوم، کشورهای عراق، لبنان، سوریه. گروه‌های مبارز تحت حمایت ایران در منطقه هستند که در همراهی با سیاست‌های هنجارساز ایران به دنبال نابودی این رژیم‌اند. تقابل جمعی با اسرائیل، نشان از نفوذ فرماندهی‌های ایران دارد. به همین منظور، مقابله با اسرائیل به عنوان تهدیدی برای اسلام، جایگاه مهمی در اندیشهٔ دفاعی مقام معظم رهبری دارد، این هنجارِ ضد صهیونیستی محصور یک دورهٔ تاریخی نیست بلکه ریشهٔ تاریخی دارد. به هر حال، نابودی این رژیم، آرمان جمهوری اسلامی ایران است، در این راستا رهبر انقلاب صراحتاً می‌فرمایند: «صریح می‌گوییم، ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا، هر ملتی، هر گروهی، با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این نداریم. این حقیقت و واقعیت است.» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگرهٔ جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). مقام معظم رهبری پیش از آن نیز با بیانی روشن حمایت از فلسطین و مبارزه با اسرائیل و حامیانش را از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی می‌داند. (بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰/۲/۴). در پایان این بحث باید گفت، ایران برای مقابله با تهدید اسرائیل نیازمند اقدام

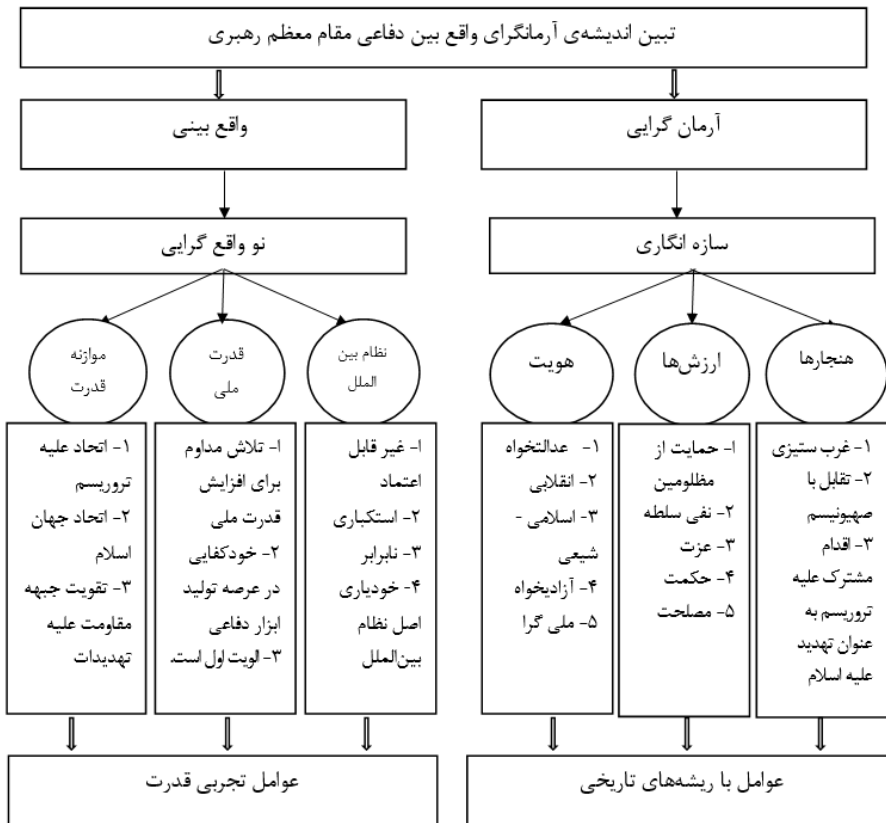
فرامیزی است و به اشتراک گذاشتن هنجار ضدیت با صهیونیسم یک راهبرد دفاعی ضروری است، که رهبری نیز بر آن تأکید فراوان دارند.

ج) جنگ علیه تروریسم شکل گرفته به دست دشمنان اسلام: گزاره دیگر در اندیشه مقام معظم رهبری رویکرد ایشان نسبت به تروریسم است، تروریسم پدیده خطرناکی است که امنیت کشورها از جمله امنیت ملی ایران را به شدت تهدید می‌کند، تحرکات و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی علیه ایران معمولاً خارج از ایران است. آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «امروز دنیا شاهد یک ظلم فراگیر (تروریسم) از سوی قدرت‌های غاصب جهانی است؛ شما ملاحظه کنید که منطقه ما و بسیاری از مناطق عالم امروز درگیر مشکلاتی هستند که این مشکلات، ساخته دست استکبار جهانی است، ما درباره قدرت‌های ستمگر جهانی بدون تقيه و با صراحت کامل سخن می‌گوییم، امروز سیاستی که استکبار و در رأس آن‌ها آمریکای ظالم و ستمگر برای خود اتخاذ کرده‌اند، یک سیاست شرارت‌بار است؛ منافع خودشان را در ایجاد بی‌ثباتی در بسیاری از مناطق عالم به خصوص منطقه ما- منطقه غرب آسیا- قرار داده‌اند؛ سیاست آن‌ها این است؛ منافع خودشان را این جور تعریف کرده‌اند که در این منطقه جنگ باشد، جنگ‌های خانگی باشد، برادران به جان یکدیگر بیفتند، تروریسم به شکل‌های فجیعی در منطقه توسعه پیدا کند؛ این سیاستی است که امروز امریکا به کمک رژیم صهیونیستی و متأسفانه به کمک بعضی از کشورهای منطقه دنبال می‌کند.» (بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر، ۱۳۹۷/۶/۱۸)

نتیجه‌گیری

دست یافتن به سطحی مطمئن از امنیت پایدار، نیازمند الگویی خاص و راهبردهای دقیق و سیاست‌گذاری دفاعی و تهاجمی مناسب است. ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹، با تهدیدات امنیتی متعدد مواجه شد، به همین جهت، مقابله با آن‌ها نیازمند سیاست‌گذاری مناسب بود. در قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلان نظام بر عهده مقام معظم رهبری است. ایران پس از انقلاب تا کنون دو ولی فقیه در رأس نظام به خود دیده است. امام خمینی (رحمه الله علیه)، بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ ش)، رحلت کرد و بلافاصله مجلس خبرگان رهبری، آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) را جانشین ایشان نمود و تا امروز رهبری نظام به عهده ایشان بوده است. بعد از ۱۲ سال رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) و در طول زعامت ۳۳ ساله آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، برای مقابله با تهدیدات

مختلف و متناسب با شرایط ملی و بین‌المللی سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای مناسب اتخاذ شده است. در این جستار، ما به تبیین اندیشه‌ی آرمان‌گرایی واقع بین، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حوزه‌های دفاعی پرداختیم. در بعد آرمان‌گرایی اندیشه دفاعی، از سازه انگاری و در بعد واقع بینی از تئوری نو واقع گرایی استفاده شده است. اگر چه مبانی اندیشه دفاعی رهبری کاملاً متمایز از این نظریات است و یک کلیت مستقلی دارد اما در هر بعدی از درجه‌ی یک نظریه به موضوع توجه شده است. مطابق داده‌های این پژوهش، مبانی اندیشه‌ی دفاعی آرمان‌گرایی واقع بین رهبر انقلاب به صورت زیر است:



طبق نمودار فوق که بیانگر کلی داده‌های این تحقیق است، اندیشه‌های دفاعی رهبری، نظام پیچیده‌ای متشکل از عناصر مختلف نواقع‌گرایانه و سازه‌انگارانه با تاکید بر عوامل بومی است. اگر چه بر اساس آرمان‌گرایی در حال حرکت است اما با توجه به واقعیات مسیر را طی می‌کند. به گونه‌ای که راهبرد دفاعی رهبر انقلاب، الگویی خاص برای ایران در منطقه خاورمیانه است که توانسته امنیت پایدار را به ارمغان آورد.

منابع

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲). سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴. ابلاغیه به سران قوای جمهوری اسلامی ایران. تهران.
- اصفهان‌ی، اصغر صالح؛ نظامی پور، قدیر؛ کاظمی قمی، حسن و فرجی، ایرج (۱۳۹۹). الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۸ (۸۲)، ۸۱-۹۸.
- اکرمی نیا، محمد (۱۴۰۱). ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۱)، ۹-۳۴.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. چاپ دوم. تهران: نشر نی
- پورقربان، محمد (۱۴۰۱). نقش انقلاب اسلامی ایران در افول قدرت آمریکا در اندیشه و مکتب دفاعی امام خامنه‌ای (حفظه‌الله). مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۴)، ۱۱۵-۱۴۲.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۸۵). ظلم‌ستیزی، وزارت امور خارجه، روابط بین المللی [آرشیو موضوعی]. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۲/۳۰، از: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=133>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۸۵). محور مقاومت [آرشیو موضوعی]. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۲/۲۸.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۸). محور مقاومت [اقتدار نظامی]. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۲/۲۹، از: <https://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1934>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۴). محور مقاومت [آرشیو موضوعی]. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۲/۲۸، از: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=11101&p=5>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۴). محور مقاومت [آرشیو موضوعی]. بازیابی شده در ۱۴۰۱/۲/۲۸، از: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=11101&p=5>
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هنجارسازی بین‌المللی. سیاست خارجی، ۳۲ (۴)، ۳۹-۵۶.
- سستوده، سید محمد (۱۳۸۵). روابط بین‌الملل از نگاه مقام معظم رهبری، حصون، ۱۰.
- صادقی اول، هادی؛ قاسمی، فرهاد و پورجم، بهاره (۱۳۹۵). مسابقه تسلیحاتی و مدیریت دفاع منطقه‌ای در میان کشورهای حوزه خلیج فارس (۲۰۱۰-۱۹۹۰)، مطالعات روابط بین‌الملل، ۹ (۳۵)، ۳۵، ۱۱۷-۱۴۰
- صباحی، مجتبی؛ محمدی، داود؛ جعفری فر، احسان (۱۴۰۱). بررسی مبانی فکری راهبرد دفاعی از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مطالعات دفاع مقدس، ۸ (۱)، ۱۶۷-۱۹۱.

عباسی، مجید (۱۳۹۷). نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با مقام معظم رهبری. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۵۲)، ۹-۳۹.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل. تهران: سمت.

کیاکجوری، کیانوش؛ اسلامی، الماس (۱۴۰۱). ائتلاف سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دفاع مقدس تا محور مقاومت.. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۳۵-۱۶۱.

مرزبانی، حسین؛ ترابی، محمد؛ شیرخانی، علی (۱۴۰۱). نقش دیپلماسی دفاعی در تحقق امنیت تمدن اسلامی در عصر جهانی شدن. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۴)، ۱۶۳-۱۸۸.

نظامی پور، قدیر (۱۴۰۱). هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی سیاست خارجی ایران دوران دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۸(۱)، ۳۵-۵۹.

نظری پور، مهدی (۱۳۸۶). جایگاه نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی، حصون، ۱۱، ۱۳۶-۱۶۲.

نظری، علی اشرف (۱۳۹۶). روش پژوهش و نگارش علمی راهنمای عملی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

Bell D (2010b) Political realism and the limits of ethics. In: Bell D (ed.) *Ethics and World Politics*. Oxford: Oxford University Press, pp. 93–110

Finnemore, Martha. and Kathryn Sikkink. (1998). 'International Norm Dynamics and Political Change', *International Organization* 52(4): 887–917.

Jacobs, Andreas (2014) 'Realism', in Manuela Spindler and Siegfried Schieder (eds.) *Theories of International Relations*. Abingdon/New York: Routledge. Chapter 2.

Katzenstein, Peter. J. (1996). *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press.

Lebow, Richard Ned (2013) 'Classical Realism', in Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith (2010) *International Relations Theories: Discipline and Diversity*. Oxford: Oxford University Press. Chapters

March, James. And Johan Olsen. (1998). 'The Institutional Dynamics of International Political Orders', *International Organization* 52 (4): 943–969

Mearsheimer, John J. (2001) *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: Norton.

Onuf, Nicholas G. (1989). *World of our Making. Rules and Rule in Social Theory and International Relations*. London: Routledge.

Pichler H-K (1998) The godfathers of 'truth': Max Weber and Carl Schmitt in Morgenthau's theory of power politics. *Review of International Studies* 24(2): 185–200

Rendall, Matthew (2006) 'Defensive Realism and the Concert of Europe', *Review of International Studies*, 32(3): 523-40.

Stephen McGlinchey, Rosie Walters & Christian Scheinpflug (2017). *International Relations Theory*. Bristol, England

- Waltz, Kenneth N. (1979) Theory of International Politics. New York: McGraw-Hill.
- Wendt, Alexander. (1992) Anarchy is What States Make of It: The Social Construction of Power Politics', International Organization 46(2): 391-425.
- Spindler Manuela (2013).International Relations. A Self-Study Guide to Theory.Barbara Budrich Publishers Opladen. Berlin. Toronto
- Gilpin, R, (1981), War and Change in World Politics, Cambridge: Cambridge University Press.